

الحمد لله
الرحمن الرحيم

گشتار سپتامبر

شمس الدین رحمانی

آبان ۱۴۰۲

مقدمه

علت شروع جنگ‌ها در یک زمان خاص چیست؟
مثلاً چرا عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ جنگ با ایران
را به طور رسمی و وسیع شروع کرد؟
چرا جنگ جهانی دوم در ۱۰ شهریور ۱۳۱۸ شروع
شد؟

شهریور، ماه پایانی تابستان آیا خصوصیتی دارد؟
ماه شهریور مقارن ماه سپتامبر است؛ آیا این ماه و
اوائل فصل پاییز ویژگی خاصی دارد؟
باید کمی بررسی کنیم.

در دایرةالمعارف فارسی درباره شروع جنگ جهانی
اول می نویسد :

«در پاییز ۱۹۱۴ دولت‌های انگلستان، فرانسه،
روسیه، بلژیک، صربستان، مونتنگرو و ژاپن از یک
طرف با دولت‌های آلمان، اتریش، هونگری
(مجارستان) و عثمانی از طرف دیگر در جنگ بودند.
ایتالیا در ۱۹۱۵، پرتقال و رومانی در ۱۹۱۶ و یونان و
آمریکا در ۱۹۱۷ به متفقین (گروه اول) پیوستند ...
تعداد کشتگان این جنگ به ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ نفر و تعداد
مجروحین به ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ نفر تخمین زده شده
است.^۱

۱. دایرةالمعارف فارسی مصاحب؛ جلد اول؛ ص ۷۵۵

ایران هم در دو سال آخر این جنگ - ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ - با قحطی مصنوعی انگلیس حدود ۸,۰۰۰,۰۰۰ نفر کشته داد.

۱۱ سپتامبر ۱۹۱۷ یک ماه پس از صدور اعلامیه بالفور، ژنرال آلن بی، یهودی انگلیسی، فلسطین را اشغال کرد درحالیکه سربازان یهودی داوطلب انگلیسی و آمریکایی و کانادایی^۱ تحت فرمان ژابوتینسکی و یوسف ترومپلدور همراه او بودند. آلن بی عبارت مشهوری دارد که می گفت : «امروز جنگ های صلیبی تمام شد.» همان عبارتی که بوش بعد از عملیات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ گفت.

و اما جنگ جهانی دوم : هیتلر ... در اول سپتامبر ۱۹۳۹ به لهستان حمله کرد. دو روز بعد فرانسه و

۱. کشورهای انگلوساکسون : انگلیسی زبان، نژاد انگلیسی و پروتستان

انگلستان و تا ده سپتامبر همه دومینیون‌های بریتانیا - به جز ایرلند^۱ - به آلمان اعلان جنگ دادند و سرانجام در سال ۱۹۴۵ متفقین پیروز شدند و جنگ پایان یافت.^۲

پایان کار (جنگ جهانی دوم) ناگهان فرا رسید. بمب‌های اتمی در ۶ اوت^۳ بر هیروشیما و در ۹ اوت در ناکازاکی افکنده شد ... و تسلیم رسمی (ژاپن) در ۲ سپتامبر به امضا رسید.^۴

مجموع کشته‌های جنگ دوم جهانی را حدود ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ نفر برآورد کرده‌اند و دروغ بزرگ

۱. ایرلندی‌ها کاتولیکند.

۲. همان؛ ص ۷۵۷؛ ستون ۳؛ خط ۱۰؛ آغاز جنگ جهانی دوم ۱۰ شهریور ۱۳۰۶ شمسی (۱۹۳۹ میلادی) بوده است.

۳. ماه قبل سپتامبر

۴. همان؛ ص ۷۵۸؛ پایین ستون ۳

هولوکاست برای آن است که کسی نپرسد در بین این شصت میلیون، چند نفر یهودی بوده‌اند و بعدها اسرائیل برای انجام «کارهایش» یک اهرم فشار داشته باشد.

تشکیل کنفرانس سراسری انجمن‌های غیردولتی -NGO- در دنیا در دوران آفریقای جنوبی در هفته ای برگزار شد که به ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی ختم می‌شد و کوشش ۲۵۰۰ انجمن غیردولتی برای محکوم کردن نژادپرستی و گرفتن غرامت بخاطر ۲۰,۰۰۰,۰۰۰ برده سیاه آمریکایی و مقارن و هم‌زمان با یکی دانستن صهیونیسم و نژادپرستی - که سر و صدای زیادی در سراسر جهان به راه انداخت - اما فردای آن روز یعنی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ - ۲۰ شهریور ۱۳۸۰ - واقعه فروریختن برج‌های دوقلوی

تجارت جهانی متعلق به راکفلرها پیش آمد و بوش رئیس‌جمهور آمریکا برای مقابله با تروریسم جهانی، حمله به افغانستان و عراق را اعلام کرد و از «جنگ‌های صلیبی»^۱ یاد نمود. و از چند روز بعد، کشتار و فاجعه در این دو کشور اسلامی هم‌مرز شرق و غرب جمهوری اسلامی ایران آغاز و تا سال‌ها ادامه یافت. جالب اینکه کارگزاران این توطئه تروریستی را عموماً افراد تبعه عربستان سعودی تشکیل می‌دادند که این خود - مطابق تبلیغات آمریکا و متحدانش - نشانه ۱. تروریست بودن مسلمانان ۲. رقابت‌ها و درگیری‌های مسلمانان با یکدیگر بود.

آغاز تهاجم آمریکا به افغانستان در ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی مقارن ۳ مهر ۱۳۸۰ شمسی بود.

۱. جنگ‌های صلیبی در ۵ اوت (۳ شهریور) ۱۰۹۵ میلادی آغاز شد.

چنانکه ملاحظه می‌شود در ماه سپتامبر^۱ و یا نزدیک به آن انجام شد. چرا؟

و اما جریانات مشابه و بعضی وقایع در ایران :

حمله رضاشاه و ارتشش به مسجد گوهرشاد و کشتار مردم در روز قبل از شروع شهریور ۱۳۱۴ شمسی است. یعنی ۳۰ مرداد ۱۳۱۴ / ۲۰ اوت ۱۹۳۵.

سقوط رضاشاه در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ شمسی

مقارن ۱۵ سپتامبر ۱۹۴۱ میلادی است.

اشغال ایران توسط متفقین و سقوط رضاشاه در ۳ شهریور ۱۳۲۰ شمسی.

آتش‌سوزی فجیع سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷ شمسی.

۱. ماه سپتامبر در ۱۰ شهریور شروع می‌شود.

کشتار میدان ژاله تهران در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷
شمسی است و درست در عصر همان روز شایعه
حضور سربازان اسرائیلی در این فاجعه بر سر زبان‌ها
افتاد.

آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در آخرین
روز شهریور ۱۳۵۹ شمسی.

انفجار دفتر نخست‌وزیری و شهادت شهید رجایی
و شهید باهنر در ۸ شهریور ۱۳۶۰ شمسی رخ داد.
حتی شهادت فردی عده‌ای از اصحاب انقلاب در
همین ایام انجام شد من جمله :

شهادت جلال آل احمد در ۱۸ شهریور ۱۳۴۸
شمسی

شهادت سید علی اندرزگو در ۲ شهریور
(۱۹ رمضان) ۱۳۵۷ شمسی

ناپدید شدن امام موسی صدر در ۹ شهریور ۱۳۵۷
شمسی

شهادت آیت الله طالقانی در ۱۹ شهریور ۱۳۵۸
شمسی

شهادت آیت الله مدنی در ۲۰ شهریور ۱۳۶۰
شمسی

شهادت آیت الله عبدالکریم هاشمی نژاد در
۲۹ سپتامبر ۱۹۸۱ میلادی / ۷ مهر ۱۳۶۰ شمسی

شهادت آیت الله قدوسی و سرتیپ وحید
دستجردی در ۱۴ شهریور ۱۳۶۰ شمسی

شهادت سرلشکر فلاحی، فکوری، نامجو، جهان آرا
و کلاهدوز در ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۱ میلادی / ۷ مهر ۱۳۶۰
شمسی

شهادت حاج مهدی عراقی و پسرش حسام در
۴ شهریور ۱۳۵۸ شمسی
شهادت شهید سید اسدالله لاجوردی به دست
منافقین در ۱۳۷۷ شمسی در اول شهریور
و موارد بسیار دیگری که از ذکر آن صرف نظر
می‌کنیم.

و اما در خاورمیانه:

سقوط تل زعتر لبنان در ۱۲ اوت ۱۹۷۶ میلادی
 جنگ اکتبر ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل ۱۴ مهر ۱۳۵۲
 شمسى که جنگ چهارم اعراب و اسرائیل بود.
 واقعه سپتامبر سیاه و کشتار چندین هزار فلسطینی
 به وسیله ارتش اردن در ۲۵ شهریور ۱۳۴۹ شمسى
 مقارن ۱۹۷۰ میلادی
 مرگ جمال عبدالناصر در ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۰
 میلادی مقارن ۶ مهر ۱۳۴۹ درحالیکه ملک حسین و
 یاسر عرفات را برای مصالحه به قاهره دعوت کرده
 بود.

کشتار صبرا و شتیلا در ۲۵ شهریور ۱۳۶۱ مقارن
 ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲ میلادی

اشغال بیروت توسط اسرائیل در ۲۵ شهریور ۱۳۶۱
شمسی / ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۲

قرارداد اسرائیل و ساف در ۲۲ شهریور ۱۳۷۲
شمسی / ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳

در ۲۸ سپتامبر سال ۲۰۰۰ انتفاضه دوم فلسطین
- انتفاضه الاقصی - شروع شد. یکی از دلایل این
واقعه ۳۰ سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی / ۹ مهر ۱۳۷۹
کشته شدن محمد الدوره به دست سرباز اسرائیلی با
تفنگ دوربین‌دار و در دامن پدرش بود. گفتنی است
که در این ایام - تابستان ۱۳۷۹ / ۲۰۰۰ میلادی -
مصادف است با فرار اسرائیلی‌ها از جنوب لبنان که
پس از چندین سال مبارزه حزب الله لبنان با آنها رخ
داد و بعد از آن انتفاضه الاقصی در روزهای ابتدای
سپتامبر شروع شد.

ترور محمدباقر حکیم و جمعی از نمازگزاران
جمعه در حرم امیرالمؤمنین در ۷ شهریور ۱۳۸۲
شمسی

در ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۷ میلادی / ۲۹ شهریور ۱۳۶۶
شمسی و مقارن ۶ ذی الحجه ۱۴۰۷ حجاج ایرانی به
دست نظامیان مسلح آل سعود در مکه مکرمه قتل عام
شدند.

بیست و هشت سال بعد در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۵
میلادی مقارن روز عید قربان ۱۴۳۶ قمری و ۲ مهر
۱۳۹۴ شمسی فاجعه منا باعث کشتار بیش از ۵۰۰۰
نفر از حاجیان شد.

چند روز پیش از فاجعه منا، سقوط یک جرثقیل
متعلق به شرکت ساختمانی بن لادن در مکه در خلال
پروژه توسعه مسجدالحرام در روزجمعه ۲۰ شهریور

۱۳۹۴ مقارن ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۵ منجر به مرگ ۱۰۷ نفر و جراحت ۲۳۸ نفر شد.

بعضی وقایع سپتامبر در گذشته تاریخ هم خواندنی است :

۵ سپتامبر ۱۵۶۶ میلادی سرآغاز سقوط و انحطاط تدریجی امپراتوری بزرگ عثمانی است^۱ ... سم به کالبد امپراتوری تزریق و وارد شده بود و با گذشت زمان می‌رفت تا کارگر افتاده و سلیمان قانونی را از پای درآورد.^۲

۱. پایتختی قدس، زمینه‌ساز جolt جهانی یهود؛ اسماعیل شفیع‌ی
سروستانی؛ چاپ اول ۱۳۹۹؛ نشر هلال؛ ص ۱۶۰

۲. همان، ص ۱۶۶

۲ تا ۶ سپتامبر ۱۷۹۲ میلادی - شنبه تا سه‌شنبه -
 کشتار ۱۱۰۰-۱۶۰۰ زندانی در جریان انقلاب فرانسه.^۱
 در پایان این فهرست، یک واقعه تاریخی عجیب؛
 و بلکه در واقع شگفت‌ترین واقعه در طول تاریخ؛ به
 نقل یعقوبی که در شهادت حضرت امام حسین علیه السلام
 می‌نویسد:

« شهادت او ده شب گذشته از محرم سال ۶۱

هجری قمری و

از ماه‌های عجم در تشرین اول بود و در آن روز

اختلاف کرده‌اند؛

شنبه گفته‌اند و دوشنبه و جمعه نیز.^۲

۱. ویکی‌پدیا؛ با عنوان September Massacres و با نقل بیش از ۱۵۰ منبع

۲. تاریخ یعقوبی؛ تألیف احمد ابن ابی یعقوب، ابن واضح یعقوبی؛ از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب؛ ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی؛

این وقایع - چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - در اواخر تابستان و در محدوده شهریورماه رخ داده است. این ماه مقارن است با ماه سپتامبر مسیحی. طبعاً این سوال برای هر ذهن حتی ساده‌ای مطرح می‌شود که علت این قضیه چیست؟

چرا اغلب گرفتاری‌ها و مشکلات و کشتارها و جنایات در این ایام رخ می‌دهد؟

چه خصیصه و ویژگی در این روزها هست که موجب می‌شود بسیاری از وقایع در این ایام رخ دهد؟

در کنار این سؤال، این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که حوادث اجتماعی با مقدمات و عوامل و

مناسباتی رخ می‌دهد که با اهداف و مقاصد و برنامه‌ریزی‌های «آدم‌ها» به وجود می‌آید و نه با تصادف و اتفاق. حتی حوادث طبیعی که موجب وقایعی می‌شود و آن وقایع بسته به انسان‌هایی است که با پیش‌زمینه‌های ذهنی و تربیتی و امکانات می‌توانند به یک شکل خاص عکس‌العمل کنند. بطوریکه مثلاً با وقوع یک زلزله یا سیل، برخی ترک محل را انتخاب می‌کنند؛ بعضی صبر و مقاومت و دوباره‌سازی را؛ و کسانی هم تن به قضا داده بدون هیچ عکس‌العملی خود را به حوادث می‌سپارند.

بنابراین بیش و پیش از هر جستجو و علت‌یابی باید به علل انسانی و روابط اجتماعی و اسبابِ زمینه‌ایِ این وقایع رجوع کرد.

آیا ایام شهریور و سپتامبر در بین مسلمانان و مسیحیان، علت خاص و ویژه‌ای دارد که تاکنون چیزی برای آن پیدا نشده است؟

اما این دو ماه مقارن است با ماه «تشرین» که شروع سال یهودی است و در آنجا می‌توان نشانه‌هایی برای حدوث این وقایع اجتماعی پیدا کرد.

مطابق دایرةالمعارف یهود و یهودیت نوشته عبدالوهاب المسیری^۱ و دایرةالمعارف فارسی به سرپرستی غلامحسین مصاحب^۲، یهودی‌ها ماه‌های سال را بر اساس ماه‌های قمری منظم کرده‌اند و برای

۱. جلد ۵؛ ص ۲۸۳؛ تقویم یهودی. این فصل «تقویم یهودی» از صفحه ۲۷۶ شروع شده و تا ۲۷۹ و از صفحه ۲۸۰ اعیاد یهودی تا ۲۹۸ ادامه دارد.

۲. جلد ۱؛ ذیل عنوان «تقویم یهودی».

اینکه اعیاد کشاورزی را - که با ماه‌های خورشیدی منظم می‌شود - انجام دهند و آن یازده روز تفاوت ماه‌های قمری و شمسی را رفع و رجوع کنند، هر چهار سال دوازده ماهه را با یک سال کیسه، سیزده ماهه حساب می‌کنند. بدین‌گونه ماه‌های شمسی و قمری را، هم‌تراز قرار می‌دهند. از سوی دیگر ایام عید و جشن و روزهای به خصوص در طول یک سال جابجا شده و به تدریج تا یک ماه حرکت می‌کند و پس از چهار سال دوباره به جای اول خود باز می‌گردد و مثلاً شروع سال در اول و دهم تشرین یک سال در اوایل شهریور، سال بعد در حوالی ده شهریور، سپس بیستم و عاقبت در آخر شهریور قرار می‌گیرد و در سال بعد دوباره باز می‌گردد به ابتدای شهریور. همین چنین است درباره ماه سپتامبر.

بنابراین یک واقعه مثلاً امسال در نیمه شهریور رخ داده چهار سال بعد - یعنی با گردش ماه‌های قمری در طول یک سال - دوباره می‌رسد به همان سال شمسی اما در چهل سال بعد. براساس تعلیمات تورات و تلمود و اصرار خاخام‌ها که باید روز شنبه ابتدای سال و ماه باشد، گردش پیچیده‌ای در ایام سال درست کرده‌اند که برای غیریهودیان مشکل و دیرفهم است. لذا فقط به قسمتی که مورد نیاز است می‌پردازیم و آن ماه تشرین و عید بخشایش «یوم کیپور» است.

«عید تحویل سال - ۲۱ و ۲۲ تشری - و روز بخشایش - ۱۰ تشری - از مهمترین اعیاد یهود به شمار می‌آید. در عید تحویل سال به حساب تمامی خلایق رسیدگی می‌شود و حکم بخشایش صادر می‌شود. روزهای اول

تا دهم تشری به نام «یامیم تورانیم» یعنی «روزهای کفّاره یا پشیمانی» نام‌گذاری شده است که از نظر لفظی به معنای این روزهای ترس و وحشت است^۱...

«... تقویم یهودی با آغاز لحظه وجودی یعنی آفرینش شروع می‌شود همانگونه که لحظه پایان آن هم نیز آمدن ماشیح و پایان تاریخ انسانی است ... تشری از تشرینو گرفته شده است که به معنای آغاز است.»^۲

ما که می‌خواهیم با ماه‌های شمسی - مثلاً شهریور - هجری شمسی و سپتامبر میلادی - وقایع را نگاه کنیم می‌بینیم یک واقعه درطول یک ماه به تدریج از ابتدا تا

۱. المسیری؛ جلد ۵؛ ص ۲۸۳؛ ستون دوم

۲. همان؛ ص ۲۷۷؛ پایین ستون دوم

انتها حرکت می‌کند و بعد از چهل سال دوباره به جای اول خود می‌رسد؛ مانند واقعه ششم ذی حجه در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۴۰۶ هجری قمری.

این توضیح برای ماه‌ها. اما چرا وقایع تلخ و کشتار و خرابی را به ماه «تشرین» وصل کنیم؟

در همان دو منبع دایرةالمعارفی آمده است که یهودی‌ها برای این ماه قربانی‌هایی در نظر گرفتند که در نگاه اول شبیه قربانی‌های اقوام دیگر و مثلاً ما مسلمانان و حیوانات قربانی از قبیل گاو، گوسفند و شتر هستند اما یک نکته بسیار زننده و زشت و وحشیانه و خطرناک، آنکه یهودی‌ها، خود را نژاد برگزیده و قوم برتر می‌دانند و غیریهودی‌ها را اساساً «آدم» حساب نمی‌کنند. یک وکیل کِنِست (مجلس ملی) اسرائیل می‌گوید : موجودات عالم ۵ دسته‌اند؛

جمادات، گیاهان، حیوانات، انسانها (ی غیریهودی)، و پنجم یهودی.

ایسرائیل شاهاک نویسنده اسرائیلی و دانشمند درگذشته استاد دانشگاه اورشلیم که دو کتاب^۱ او درباره تاریخ یهود و نژادپرستی در اسرائیل نوشته شده با صراحت و با منابع یهودی-اسرائیلی، نشان می‌دهد که اسرائیلی‌ها برای غیریهودی‌ها هیچ ارزش و اعتبار انسانی قائل نیستند و همه چیز را با نگاه نژادی می‌نگرند: یهودی‌ها، خوب و برگزیده و ارزشمندند؛

۱. مشخصات کتاب‌های اسرائیل شاهاک:

الف. تاریخ یهود-مذهب یهود، بار سنگین سه هزاره؛ ترجمه مرحوم

دکتر مجید شریف؛ انتشارات چاپخس؛ چاپ اول ۱۳۷۶

ب. نژادپرستی دولت اسرائیل؛ ترجمه امان الله ترجمان؛ چاپ اول

و غیریهودی‌ها، بی‌ارزش و پست و در حد حیوانات و حشرات.

لذا جان و مال و ناموس غیریهودی هیچ اعتبار و ارزشی ندارد بطوریکه در دادگاه‌های آنها حق را فقط به یهودی می‌دهند؛ فقط شهادت یهودی مسموع است؛ زمین و خانه و مزرعه و مغازه و همه مایملک عالم فقط می‌تواند مال یهودی باشد؛ اموال غیریهودی‌ها را می‌توان به هر شکل ممکن تصاحب کرد؛ پزشک یهودی بیمار غیریهودی را فقط اگر مجبور باشد و یا پول خوبی بگیرد و در زمانی غیر از شنبه باشد مجاز است «ویزیت» و معالجه کند. بسته به شرایط و آنچنانکه در تلمود آمده است : اگر غیریهودی را درحال غرق شدن و یا در قعر چاهی دیدی مبادا کمکش کنی.

و در اسرائیل به عنوان نمونه سربازان یهودی برای تفریح باهم مسابقه داده تا از دور و با تفنگ دوربین دار ببینند کدام یک می تواند بچه های فلسطینی را نشانه گرفته و مانند خرگوشی شکار کنند.

در تقارن ماه های سپتامبر و شهریور با ماه تشرین و گاه با چند روزی قبل و بعد از شهریور و سپتامبر به طور مداوم و برای سال های مکرر وقایع وحشتناک و قتل عام های بسیار رخ می دهد که سازمان دهی و برنامه ریزی و زمینه چینی آن ها با واسطه و بی واسطه به دست یهود و برای قربانی «حیوانات انسان نما» ترتیب می یابد.

جمع‌بندی

دکتر عبدالوهاب المسیری می‌نویسد^۱: «... در سفر
تثنيه باب ۱۴ شماره ۲ ... چنین آمده: «شما منحصرأ
به خداوند، خدایتان تعلق دارید و او شما را از میان
قوم‌های روی زمین برگزیده است تا قوم خاص او
باشید.» همین تفکر در سفر لاویان فصل ۲۰ شماره‌های
۲۴ تا ۲۶ نیز تکرار شده است: من خداوند، خدای
شما هستم که شما را از قوم‌های دیگر جدا کردم ...

۱. دایرةالمعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم؛ تألیف دکتر عبدالوهاب
المسیری؛ ترجمه مؤسسه تحقیقات و پژوهش‌های خاورمیانه؛ از
انتشارات دبیرخانه بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین؛ هشت جلد؛
قطع رحلی؛ چاپ اول؛ سال ۱۳۸۳؛ جلد پنجم؛ فصل دوم: «قوم
برگزیده»: صفحه‌های ۶۹ تا ۷۹.

برای من مقدس باشید زیرا که من که خداوند هستم
مقدس می‌باشم ...

اندیشه برگزیده بودن قوم یهود به طور کلی
تأکیدی بر تفکر انزوا و جدایی یهود از دیگران است
(که بیانگر قداست قوم یهود به سبب حلول خدا در
آنهاست.) در تلمود آمده است که قوم اسرائیل به دانه
زیتون تشبیه شده‌اند زیرا زیتون نمی‌تواند با مواد دیگر
بیامیزد ...»^۱

«... در تلمود چنین آمده است : همه یهودیان
مقدس‌اند ... همه یهودیان فرمانروایند ... دنیا تنها برای
یهود خلق شده است. فقط قوم اسرائیل پسران خدا

نامیده می‌شوند. خداوند تنها قوم یسرائیل را دوست می‌دارد.» ... این طرز تفکر به صورتی افراطی نزد یهود ریشه‌دار شده است. این اعتقاد نزد ایشان از هرگونه مضمون اخلاقی تهی گشته و جنبه نژادی و قومی پیدا کرده است ... سپس به تدریج قبلاً چنان حاکم گشت که قوم یهود را از درجه قوم برگزیده به عنوان جزئی از ذات الهی برکشید ...^۱

معمولاً ما وقتی به عنوان «تبعیض نژادی» برمی‌خوریم اختلاف سیاهان و سفیدها را در آمریکا و در حد جدایی مدارس و بیمارستان‌ها و ... تصور می‌کنیم؛ درحالی‌که نژادپرستی در بین یهود یعنی

جدایی کامل یهودی‌ها از غیریهود. یهودی‌ها خود را انسان و دیگران - غیریهودی‌ها - را اساساً غیرانسان و به نوعی حیوان در نظر می‌گیرند بطوریکه نه حق و حقوقی دارند و نه ارزشی ولذا هرکاری که یهود بتواند بر سر غیریهودی بیاورد انجام می‌دهد و هرگز احساس شرم و عذاب وجدان نمی‌کند. مثال‌های عملی آن هم فراوان است: همین رفتاری که اسرائیل نسبت به فلسطینیان درمورد خانه و زندگی و رفت و آمد و حتی جان و امنیت آنها دارد.^۱ فلسطینی و بلکه اساساً غیریهودی اصلاً و ابداً حقوقی ندارد. کلمه

۱. و اخیراً رفتاری که اسرائیل در غزه و در مقابل شکست نظامی و اطلاعاتی در مقابل حماس و گروه‌های فلسطینی کرده است.

«حقوق بشر» هم فقط مخصوص یهودی‌هاست و لذا اگر از دماغ یک یهودی خون بیاید «عزت الهیه» مورد هتک حرمت واقع شده اما غیریهودی‌های بسیار، هرطور کشته و شکنجه و معذب باشند انگار نه انگار.^۱ این داستان از سنین سه چهار سالگی به کودکان یهودی آموزش داده می‌شود تا برخلاف فطرت و سرشت طبیعی خود، خویشتن را از بن و بنیاد و ژن و کروموزوم برتر از دیگران بدانند و برای هرگونه تحکم و برتری بر آنان آماده باشند. اما اینکه ما چندان

۱. نگارنده این سطور مجموعه‌ای از مطالب نژادپرستانه یهودی را از بیش از ۴۰ کتاب و مأخذ گردآوری کرده است که در آن بطور مستند و مستدرک تفاوت یهودی با دیگران را از منابع متعدد آورده است و امید است به زودی منتشر شود.

رفتار زشت و تندی از آنان در محیط خود نمی‌بینیم
 به خاطر ناتوانی و فقدان امکان آنهاست والا هرگاه
 زمینه فراهم شود هر کاری که بتوانند انجام می‌دهند.
 اگر یک یهودی چنین رذایل و خباثتی انجام ندهد و
 تفاوتی بین خود و غیریهودیان احساس نکند و برتری
 برای خود در نظر نگیرد در واقع او یهودی نیست که
 البته بسیار نادر و کم است. خداوند در قرآن کریم
 درباره یهودی‌ها و نوع تعاملشان با مسلمانان و مؤمنین
 در آخرین سوره‌ای که بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم
 نازل شده و ناسخ ندارد می‌فرماید :

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ ...

و در آیات متعدد دیگر نیز این عداوت و دشمنی و آشکال آن ذکر شده است.

این خصایل البته خصلت‌های نفسانی و کبر و حرص و طمع آدمی است که در این قوم به طور ویژه جمع و متراکم شده و به صورت خصایص قومی و نژادی درآمده است.

دشمنی یهود با اقوام دیگر و به ویژه معلمان انسانها یعنی پیامبران الهی چنان است که «قتل انبیا» از خصایص آنهاست. قساوت قلب و کشتن دیگران به ناحق؛ رباخواری و گرفتن حقوق مالی مردم؛ استهزا؛ تحریف حقایق و ایجاد فساد و اختلاف و غصب حقوق دیگران و خلاصه هر عمل زشت و ناروا از

عادات و آموزه‌های این قوم «لجوجِ عنودِ لدودِ متکبر»
و وحشی و ظالم است.^۱

راه معامله با این قوم چیست؟

اوّل از همه «شناخت» آنها؛ و شناخت دقیق و
درست. یکی از تدابیری که یهودی‌ها در طول حیات
خود با دقت عملی کرده‌اند آن است که رد پای
جنايات و دسیسه‌های خود را چنان پاک کرده‌اند که
امروز کمتر می‌توان در نظر همگان نشان داد و
دستگاه‌های تبلیغاتی جهان که در انحصار آنهاست

۱. حتی یک نظر گذرا به قرآن کریم می‌تواند این حقایق را صریح و
روشن بیان کند.

به دقت مراقب لاپوشانی و مخفی کاری و پنهان کاری است.

به محض اینکه دانستیم یک نفر یهودی است یا اجدادش یهودی بوده یا احتمال می رود که یهودی باشد و یا به فرقه ها یا گرایش هایی تمایل دارد که از وابستگان یهودی ها است باید «دقت» کرد و به رفتار و کردار او توجه نمود. یهودی ها هم سعی دارند خود را مثل دیگران نشان داده و حتی المقدور مثل دیگران جلوه کنند.

البته دقت و مراقبت همه اجزای حرکات و رفتار و گفتار آنها با سوءظن و بدبینی تفاوت دارد. در دستورات دینی و اخلاقی ما این دقت و وسواس آمده

است. امام خمینی قدس سره نقل کردند که : «یادم آمد قصه‌ای که مرحوم سید عبدالمجید همدانی داشته است. نقل می‌کند یک نفر یهودی آمده بود پیش ایشان و مسلمان شده بود. بعد از یک چند وقتی ایشان دیده بود ایشان خیلی مسلمان شده! خواسته بودش، گفته بود : تو من را می‌شناسی؟ گفت : بله شما از علمایید. می‌دانید که من مثلاً اولاد پیغمبر هستم؟ می‌دانید که من پدرانم مسلمان بودند؟ ... حالا هم عالم هستم در این جمعیت؟ بله همه اینها را می‌دانم. خودت را هم می‌شناسی؟ بله یهودی‌زاده‌ام. همه پدرهایت یهودی بودند. خودت هم یهودی بودی و تازه مسلمان شدی. من یک معمایی پیشم هست و او این است که چطور

تو از من بیشتر مسلمان شدی؟ چه شده است که تو اظهار اسلامت بیش از آنی است که ما هستیم. شنیدم که بعد مردک رفته و دیگر ایشان ندیدند او را. معلوم شد حيله‌ای بوده برای یک کارهایی!'^۱



در مقابلِ جمهوری اسلامی ایران، غرب با همه هستی‌اش ایستاده است؛ اما باید پرسید «غرب» یعنی چه؟

آیا غرب دنیای مسیحی است؟ «دنیای مسیحی» پیرو پیامبری بزرگ به نام عیسی مسیح فرزند مریم

۱. صحیفه امام؛ ج ۱۰؛ ص ۴۶۰

علیهما السلام است و خصوصیاتش خیلی با آنچه که به نام غرب می‌شناسیم متفاوت است.

آیا غرب همان اروپاست که در غرب ما قرار دارد؟ امروز آمریکا و ژاپن و استرالیا و کانادا هم غربند. پس اروپا هم تنها نشانه غرب نیست.

اما اگر بگوییم غرب یعنی فرهنگ و ادب و آداب و خصوصیات اقتصادی و فرهنگی و سیاسی یهود آنوقت درست درمی‌آید؛ چرا؟

چون غرب دارای نظام اقتصادی سرمایه‌داری است و سرمایه‌داریِ غرب عنصر اصلی‌اش را رباخواری و بانکداری و سودانگاری تشکیل می‌دهد که پدیده‌ای کاملاً یهودی است. غرب، لائیک است و ضد دین و

مادی؛ و یهود است که نمی‌خواهد دین و اعتقاد و معنویت در دنیا باشد. غرب محصول نظام فراماسونری است که خود مولود یهودی‌های انگلیس در قرن هجدهم است.

نظام لائیک و سرمایه‌داری غرب در قرن هجدهم با دو فراماسون بزرگ به نام دیدرو و دالامبر و دایرةالمعارفشان و تبلیغات نظام‌مند و حساب‌شده ماسون‌ها، اندیشه مادی و علوم تجربی را برای اروپا و دنیا جا انداخت و امروز نظام فرهنگی دنیای غرب، مادی و تجربی است. در قرآن کریم هم مکرر اندیشه مادی و حسگرای یهود تذکر داده شده است.

فراماسونری با میلیون‌ها عضو و تشکیلات مخفی لژها تقریباً عموم کشورهای دنیا را مدیریت می‌کند : انقلاب‌های فرانسه، استقلال آمریکا، انقلاب صنعتی انگلیس و حتی مشروطیت ایران به دست ماسون‌ها برقرار شد و افراد آنها با رفتار نهان‌روشانه در واقع به نفع خود و یهودی‌ها فعالیت می‌کنند و در ظاهر قیافه دموکراسی و لیبرالیسم و منافع ملت‌ها را به خود می‌گیرند آنچنان که امثال تقی‌زاده و فروغی و علا و برادران هومن و شریف امامی و امثالهم عمل کردند.

فراماسون‌ها آل و تبار استعمار در سه چهار قرن اخیرند و امروز هم طرفدار همان شیوه‌ها و رفتارند. آنها بازماندگان و کارگزاران نظام برده‌داری هستند که

بیش از ۱۰۰ میلیون سیاه‌پوست را از آفریقا به آمریکا بردند که تنها حدود ۲۰ میلیون نفر آنها به آمریکا رسیدند و باقی از بین رفتند. سیاهان امروز و قربانیانِ پلیس وحشی و خونخوار آمریکا بازماندگان آن نظامند. ایضاً ۱۰۰ میلیون سرخ‌پوست آمریکایی را کشتند تا تمام آفریقای شمالی و همه نظام اقتصادی آمریکای مرکزی و جنوبی را تحت سلطه خود بگیرند - از مواد معدنی تا مواد مخدر و باندهای مافیا و فساد و فحشا و جنایت ... - .

یهودی‌ها و فراماسون‌ها سازندگان دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی غربند که با روش‌های

«پوزیتیویستی» و با پُز علمی اما مادی، دنیا را «مدیریت» و یعنی غارت می‌کنند.

این ماهیت غرب است : غربِ مادیِ سودانگارِ سرمایه‌دارِ رباخوارِ استثمارگرِ نژادپرست اما البته با تظاهر به دموکراسی و پیشرفت و لیبرالیسم و مردمی و ...

این غرب برای رسیدن به مطامع خود و دست یافتن به حکومت جهانی از نیمه قرن نوزدهم مقدمات مارکسیسم و صهیونیسم و وهابی‌گری و بهائیت و امثالهم را و دو جنگ اول و دوم جهانی را سازماندهی کرد و در این دو جنگ با بیش از ۸۰ میلیون کشته و خرابی‌های فراوان و فجایعی باورنکردنی و درعین حال

با سازمان تبلیغاتی گسترده در سراسر جهان و دروغ بزرگ هولوکاست و نمایش نظم نوین جهانی به جای آرزوی ظهور حضرت منجی صاحب الزمان.

خوشبختانه امروز اوضاع و احوال این نظام ضدبشری استعماری یهودی ماسونی مادی، به لطف عنایت خداوند از همه طرف با شکست مواجه شده و رو به افول و فروپاشی است^۱ اما وظیفه ما دانستن راز و رمز آن پیشرفت مادی ظاهری و این شکست واقعی و حقیقی است. باید همت کرد و با تمام توان و قدرت و با امید و ایمان و اعتقاد به خداوند متعال

۱. رفتار وحشیانه و بی‌مهار و از سر شتابزدگی و اضطراب در غزه و فلسطین و با اشتباهات فوق‌العاده عجیب و خطرناک، اما دست یهود و فراماسونری و غرب به خوبی برای همگان روشن و باز شده است.

و تحت نظام اخلاقی و اجتماعی دینی - که اسلام
ناب محمدی است - این راه را طی کرد و به پیروزی
رسید؛

انشاءالله.

همزمان با آماده شدن این جزوه، واقعه شگفت‌آور
طوفان الاقصی در غزه فلسطین شگفتی عالمیان را
برانگیخت. از روز شروع آن حادثه - ۱۵ مهر ۱۴۰۲ -
رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی برای نمایش زنده
بودن خود غزه را به طور مداوم و شبانه روز مورد
حمله قرار داد و پس از یک ماه و نیم - ۲۹ آبان
۱۴۰۲ - بیش از ۱۲۰۰۰ شهید - که بیش از ۵۰۰۰ نفر
آنان کودک و نزدیک ۴۰۰۰ نفر زن - و بیش از
۲۵۰۰۰ نفر مجروح حاصل این کشتار وحشیانه شد.

در روز ۲۸ آبان ۱۴۰۲ رهبر معظم انقلاب بعد از بازدید از نمایشگاه موشکی و پهپادی سپاه پاسداران طی سخنانی گفتند :

«... قضایای غزه بسیاری از حقایق مکتوم را برای مردم دنیا آشکار کرد که یکی از حقایق، طرفداری سران کشورهای غربی از «تبعیض نژادی» است... صهیونیست‌ها خود را نژاد برتر می‌دانند و بقیه آحاد بشر را نژاد پست به حساب می‌آورند و به همین دلیل است که بدون احساس ناراحتی وجدان، چندین هزار کودک را به قتل رسانده‌اند... هنگامی که رئیس‌جمهور آمریکا، صدراعظم آلمان، رئیس‌جمهور فرانسه و نخست‌وزیر انگلیس با آن همه ادعا از چنین رژیم

نژادپرستی حمایت و به آن کمک می‌کنند به معنای
طرفداری این آقایان از تبعیض نژادی به عنوان
نفرت‌انگیزترین مسائل دنیاست... مردم اروپا و آمریکا
باید تکلیف خود را با این وضعیت روشن کنند و
نشان دهند که طرفدار تبعیض نژادی نیستند...»

